

نقش پناهندگان در جغرافیای شهرها و مرزهای شاهنشاهی اشکانی با امپراتوری روم از آغاز تا سقوط سلسله؛ با نگاهی به اهمیت آنها در معماری و برنامه‌ریزی شهری دوران معاصر

حمیده مظفری

گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

ناصر جدیدی^۱

واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

احمد کامرانی فر

واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۷

چکیده

با روی کار آمدن شاهنشاهی اشکانی و سقوط سلسله سلوکی در ایران مناسبات ایران با دولت‌های همجوار شکل جدیدی به خود گرفت. در این زمان یکی از مسائل مهمی که بروز کرد، پناهندگی عده‌ای از شاهزادگان اشکانی به امپراتوری روم و از سوی دیگر پناه آوردن برخی شخصیت‌های نظامی روم به دربار ایران بود. با توجه به قدرت دو کشور و نزدیکی قلمروهای سرزمینی و مرزهای دو امپراتوری، شخصیت‌های مهم دو کشور برای رسیدن به قدرت یا نجات جان خود به دیگری پناهنده یا می‌گریختند. نکته قابل ملاحظه در این زمینه این است که این پناهندگان به چه میزان در مراودات سیاسی و دست به دست کردن مکان‌های جغرافیایی و سوق‌الجیشی تأثیر و نقش داشته‌اند؟ آیا پناهندگی آن‌ها باعث شده است که چشم‌انداز جغرافیایی و بعضاً توسعه‌طلبی دو دولت قدرتمند آن روز دستخوش تغییر و تحول گردد؟ این پژوهش با طرح سؤالات مذکور در پی آن است که با روش گردآوری اطلاعات مبتنی بر داده‌های تاریخی و جغرافیایی به این پرسش‌ها پاسخ دهد. استنباطی که از این پژوهش می‌شود این است که پناهندگان با توجه به جایگاه و نفوذی که در قلمرو خود داشتند و نظر به شناختی که از قلمروها و سرزمین‌های پیرامون داشته‌اند و با توجه به حمایت و جانبداری دولت‌ها از آن‌ها مرزها و قلمروهای سرزمینی را در اثر مرور زمان دستخوش جابجایی به نفع و ضرر دیگری رقم زنند.

واژگان کلیدی: پناهندگی، پناهندگان، اشکانیان و روم، جغرافیا، عوامل و عناصر جغرافیایی.

مقدمه

پس از شکست و از بین رفتن شاهنشاهی سلوکی توسط ارشک یکم شاهنشاهی اشکانیان به سال ۲۴۷ پ.م شکل گرفت. در ادامه و با تثبیت دولت توسط جانشینان او، مهرداد یکم گسترش قلمرو اشکانی در غرب و شرق کشور را آغاز کرد و توانست برای نخستین بار وارد میان‌رودان شود و زمینه توسعه‌طلبی شاهنشاهی را آغاز کند. با به تخت‌نشینی فرهاد سوم جانشین سنتروک، ایران اشکانی وارد منازعات ارمنستان گردید و جغرافیای و مرز و بوم این قلمرو مورد توجه نخستین شاهان اشکانی گردید. منازعاتی که در ادامه منجر به پناهندگی تیگران پسر به دربار فرهاد سوم گردید. با به تخت‌نشینی فرهاد چهارم و آزار و اذیتی که وی در ابتدای سلطنت به کار گرفت، برخی از شاهزادگان اشکانی به قلمرو رومیان پناه بردند. در ادامه سلطنت اشکانیان نیز شخصیتی‌هایی از روم و ایران به هر دو قلمرو پناهنده شدند که باعث ایجاد درگیری‌ها و تنش‌هایی بین آن‌ها شده که از زمره آن‌ها می‌توان به شخصی بنام لاینوس در زمان ارد و نقش و جایگاه او در رویدادهای نظامی و جغرافیایی بعد از نبرد حران اشاره کرد. همچنین در اواخر دوره اشکانی نیز باز ما شاهد مقوله پناهندگی هستیم و آن که دو فیلسوف رومی به دربار اردوان چهارم آخرین پادشاه اشکانی پناهنده می‌شود و کاراکالا خواستار استرداد آن‌ها گردیده است. با توجه به این تفاسیر، مسئله عمده نگارنده راقم این سطور این است که با روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر اسناد تاریخی و جغرافیایی به این ابهامات علمی که این پناهندگان با توجه به نقش و جایگاهی که داشتند چگونه با پناه بردن به دشمن زمینه رویارویی دو دولت روم و ایران را در دوره اشکانی فراهم نمودند؟ و از سوی دیگر این شخصیت‌های مهم به چه میزان در تغییرات مرزها، شهرها و مکان‌های جغرافیایی به نفع یا به ضرر دیگری تأثیر گذاشته‌اند؟ این مسائل باعث شده که نگارنده در پی آن موضوع موردنظر خود را مطرح و مورد واکاوی قرار دهد.

جغرافیای تاریخی اشکانیان

نام پارت در سنگ‌نوشته‌های هخامنشی پرثوه آمده است، قومی بودند که در خراسان می‌زیستند و سرزمین ایشان پارت نام داشت و پارت را به زبان ارمنی پهل شاهسندان می‌گفتند. سرزمین پارت از جنوب شرقی دریای گرگان/خزر به شکل صفحه‌ی باریکی به طرف مشرق امتداد دارد و این منطقه از طرف شمال و جنوب بین کویرها و بیابان‌های لم یزرع واقع است. از این لحاظ که می‌گوییم صفحه‌ی باریک، منظور این است که آن سرزمین نسبت به کویرهای اطراف عرض و طولش بسیار کم است (Ghadeani, 1384: 331). اشکانیان قدرت سیاسی نوینی بودند که در نیمه دوم سده سوم ق.م ظهور کردند. حمله اسکندر مقدونی به ایران و ساقط کردن شاهنشاهی هخامنشی چشم‌انداز سیاسی جهان شرق را تغییر داد (Brosius, 2010: 115). سلسله‌ای که به وسیله پارت‌ها تشکیل شد، براساس سرزمین آن‌ها، پارتیان و با توجه به نام مؤسس آن اشکانیان خوانده می‌شود. حکومت اشکانیان از شمال غربی به سرزمین آلان‌ها و ایبری‌ها، در شرق دریای خزر، و بین دریای خزر سیاه، و از غرب به ایالت‌های تابع روم از جمله پونتوس، ساموس، کاپادوکیه، سوریه و فلسطین محدود می‌شد. این شاهنشاهی از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان و از جنوب شرقی به ایالت مکران و گدورسیا و پادشاهی هند و پارتی محدود می‌شد. در شرق طوایف یوئه‌چی شاهنشاهی را محدود می‌کردند. از شمال شرقی به سند، سمرقند، رود و خش که به دریای خوارزم یا و خش

یا آران می‌ریخت، محدود می‌شد (Mirzaee, 2005: 24-25). عصر اشکانی دورانی بود که جغرافیای سیاسی جهان دستخوش تحولی عمده شد. در دوران هخامنشی جهان به دو بخش مرکزی و پیرامون تقسیم می‌شد. مرکز در عمل تمام دولت‌های باستانی و مراکز کشاورزی شناخته شده را در بر می‌گرفت و سراسر دنیای شهرنشین قلمرو میانی را در بر می‌گرفت. این مرکز با پیرامونی احاطه می‌شد که اقوام و قبایلی غیر یکجانشین در آن ساکن بودند (Vakili, 2014: 850-851). در این میان اشکانیان خواهان بازسازی نظم پارسی بودند. ایرانی در دلالت تازه، اقوامی را در بر می‌گرفت که هم‌نشینی جغرافیایی داشت (Vakili, 2014: 856). استرابو بین پارت به عنوان ناحیه‌ای جغرافیایی مطابق با ایالتی از حکومت‌های هخامنشی و سلوکی با پارت در حکم یک امپراتوری تمایز قائل می‌شود. اولی قلب سرزمین پارت در شمال شرقی ایران امروز است. تاریخ اشکانیان از همین جا آغاز می‌شود و قلمرو آنان به تدریج از همین جا گسترش یافت، تا تبدیل به یک امپراتوری گردید. وی تذکر می‌دهد که سرزمین پارت زیاد وسعت نداشته است و ماد بزرگ از شرق با پارت هم‌مرز بوده است. وی در عین حال تذکر می‌دهد که محل سکونت اشکانیان تا حوالی غرب بلخ و مجاور آریا/هرات بوده است و نیز می‌گوید آنان در بخش شمالی توروس می‌زیسته‌اند. همچنین یادآور می‌شود کرمانیا/کرمان دارای صحرایی هم‌مرز سرزمین پارت بوده است. به سوی شمال بین داهه/پرنی و گرگان و پارت تا آریا- صحرای بزرگ و بی آب و علف دیگری نیز وجود داشته است. سرزمین پارت جدا از کوچک بودنش، پر درخت و کوهستانی و فقر زده بوده است. به همین علت پادشاهان آن با شتاب به نقاط مختلف آن سفر می‌کردند؛ زیرا سرزمین‌شان حتی برای مدتی کوتاه نمی‌توانسته زندگی آنان و ایل و طایفه‌شان را تأمین کند (Drijvers, 2015:423-424). همچنین بنا بر قول وی پرنی‌ها، قبیله‌ای از چادرنشینان داهه بودند که در دهستان در شرق دریای مازندران به سر می‌بردند. زمانی در نیمه نخست قرن سوم پ.م پرنیان به سوی جنوب به درون قلمرو سلوکی در ساتراپ‌نشین سابق هخامنشیان پارت حرکت کردند. چنین به نظر می‌آید که آنان پیش از آن‌که تصمیم بگیرند برای همیشه منطقه را به اشغال خود درآورند، چندین بار به نواحی مسکونی حمله بردند. اعم از این‌که نخستین پایتخت آنان، نسا در غرب عشق‌آباد کنونی که در آن‌جا حفاری‌های بسیاری یک مرکز مهم پارتیان را برملا کرده، بوده است یا نه اطمینان وجود ندارد. سپس آنان به سوی جنوب رفتند و آستونه، قوچان کنونی در ایران را اشغال کردند. آنان بنا به نوشته یوستین به سرزمین پارت حمله کردند و فرمانروای سلوکی را در حدود سال ۲۵۰ تا ۲۴۷ ق.م به هلاکت رساندند (Fry, 1386: 135-136).

اشکانیان پس از پیروزی در سرزمین‌های غربی، تا حد زیادی تقسیم‌بندی‌های ایالتی سلوکیان را حفظ کردند و به بین‌النهرین به عنوان یک ساتراپ‌نشین بزرگ و با اهمیت می‌نگریستند و تنها پس از انتخاب تیسفون به پایتختی، ناحیه اربل را نیز بدان افزودند. در شرق کشور نیز وضعیت جغرافیایی قلمرو آن‌ها با سلوکیان تفاوت داشت. ساتراپی مهم سلوکی یعنی باکتری-سغدی، ناحیه پاروپانسیاد، محدوده ایالت کابل و حوضه علیای رود کابل و سه ساتراپ‌نشین هندی سلوکی، ابتدا جزو متصرفات اشکانی در نیامد و تحت سلطه دولت باکتری-یونانی باقی ماند. در جنوب که ایزودور خاراکسی به ساتراپی‌های این منطقه اشاره نمی‌کند، ناحیه الیمایی، پارسه و کرمانیا بخشی از قلمرو اشکانی را تشکیل می‌داد. در غرب هم نام برخی از نواحی اشکانی در فهرست ایزودور خاراکسی ذکر نشده

است، اما باید یادآور شد که علاوه بر ارمنستان بزرگ و کوچک، بخشی از گرجستان نیز تابع اشکانیان بود (Mirahmadi, 2013: 94).



Map:1- Historical geography of the Parthians: height="472" Width="600" Average area: about 5.4 million square kilometers; Historical Site of Mirhadi Hoseini: <http://m hosseini.ir>

در این دوره آنچه باعث گسترش توجه به مقوله شهرها و شهرنشینی و افزایش توجه به این موضوع در دوره اشکانیان شد شرایطی بود که دولت اشکانی در آن زمان در آن قرار گرفت و آن ورود ایران به عنوان میانجی در روابط شرق و غرب بود. در واقع با ورود ایران به جرگه رویدادهای نظامی و اقتصادی آن زمان رشد شتابان شهرنشینی در ایران آغاز می‌گردد. ایجاد شهرها در این دوره ضرورتی تاریخی ناشی از تحولات زمان بود. به همین سبب اشکانیان نیز ناگزیر به ادامه روش سلوکیان در زمینه توسعه شهرسازی و شهرنشینی شدند (Taghavi Nejhad, 1984: 87) طرح و نقشه‌های شهرهای دوران اشکانیان عمدتاً به صورت مدور ساخته شده بود (Majidi, 2016: 55). در راستای جغرافیای قلمرو اشکانیان باید گفت که حدود کشور وسیع آن‌ها در دوره‌ی عظمت از مشرق تا هندوکش و حدود پنجاب، از شمال تا رود جیحون و دریای خزر و کوه‌های قفقاز، از جنوب تا دریای عمان و خلیج فارس و از مغرب غالباً تا رود فرات بوده است. بدیهی است که مملکت اشکانیان همواره دارای این وسعت نبوده و این حدود مربوط به دوره کمال عظمت و قدرت آن است. در زمان ارد سپاهیان اشکانی از مغرب رود فرات تجاوز کرده و تا حدود انطاکیه و تنگه‌ی هلس‌پونت امروزی پیش رفته‌اند (Parviz, 1971: 4). قلمرو اشکانیان شامل هفتاد دو بخش بوده و املاک آن‌ها در تقسیم‌بندی برای اداره کشور، شهرهایی بودند که خودمختاری نسبی داشتند. اشمیت دولت اشکانیان را یک قدرت جهانی به شمار می‌آورد و علت آن را گستردگی قلمرو جغرافیایی حکومت آنان از ماوراءالنهر تا بین‌النهرین را در بر می‌گرفته است. اولین پایتخت دولت اشکانی شهر دارا در حوزه گرگان و یا صد دروازه در دامغان بود، ولی پس از توسعه نفوذ اشکانیان در غرب، شهر معروف تیسفون پایتخت شاهنشاهی اشکانی شد و تا انقراض آن سلسله شهر مزبور مرکز و مقر شاهنشاهی محسوب می‌گردید. (Majidi, 2016: 55).



Map: 2- Map of the territory of Iran during the Parthian period, drawn by the Institute of Geography and Cartography of the Sahab in the 6th century in Persian with cream colored paper and the use of light blue and brown colors.(Length (1m and 2cm) & Width (1cm)- National Library and Museum of Malik.

اهمیت جغرافیایی ارمنستان و پناه دادن فرهاد سوم به شاهزاده ارمنی

پس از مرگ سنتروک و پادشاهی فرهاد سوم، ارمنستان می‌بایستی به دلیل موقعیت جغرافیایی که در نزدیکی قلاع قفقاز داشته بود و از دیرباز غالباً بخشی از ایران بود، دوباره به خاک شاهنشاهی افزوده شود. تیگران و هم‌پیمان او مهرداد پونتی با فرستادن سفیری به دربار ایران درصدد اتحاد با فرهاد سوم با این شرط که در صورت همراهی در نبرد با روم همه‌ی سرزمین‌هایی که از اشکانیان گرفته بود را بازپس دهد، برآمد. رومی‌ها نیز برای دوستی ایرانیان پیشنهادی همانند داشتند. فرهاد پیمان دوستی با رومی‌ها را به مصلحت نزدیک‌تر یافت. اما فرهاد به جای کمک به تیگران سالخورده به پسر او که نیز تیگران نامیده می‌شد، یاری رساند. در پی آن تیگران پسر به فرهاد سوم پناهنده شد و داماد فرهاد شد (Dio Casius, XXXVI-51) در واقع یکی از نخستین پناهندگی در دوره اشکانی را می‌توان نمودی از اهمیت جغرافیایی قلمرو آن‌ها دانست. این وجه شاخص ابتدا در مسأله ارمنستان خود را نشان داد؛ که از دیرباز به واسطه موقعیت جغرافیایی و قرار داشتن بر سر راه‌های شرق و غرب در تجارت بین‌المللی نقش اساسی داشت (Haji Babae, 2001: 249) و در منظر پادشاهان ایران باستان حائز اهمیت بود. این موضوع و در کنار آن پناهنده شدن تیگران صغیر به فرهاد سوم، سرآغاز جنگ‌های ایران و روم در دوره اشکانی گردید. نکته قابل توجه این است که فرهاد سوم خیلی زود به اهمیت جغرافیایی آن پی برده و به بهانه حمایت از داماد خود وارد ارمنستان شد و متصرفات قدیمی پارتی را که از طرف رومیان به او وعده شده بود، را اشغال و نماینده‌ای نزد پمپه فرستاد تا از داماد خود شفاعت کند (Gothamshid, 2000: 109-110). از این گذشته فرهاد به پمپه پیشنهاد کرد فرات مرز میان پارت و روم تعیین گردد. چون پومپیوس پاسخ داد که خویشاوندی تیگران جوان به پدرش نزدیک‌تر است تا به پدرزنش و مرز میان دو دولت را عدالت مشخص خواهد ساخت، فرهاد به استوار ساختن پایگاهش در آربلا/ اربیل پرداخت و از غیبت پمپه و عزیمت وی به شمال فرصت جسته ناحیه‌ی کردونه بر کران دجله و پایین دیاربرکر را مورد تاخت و تاز قرار داد (Bivar, 1383: 148) به این ترتیب فرمانروای اشکانی ارباب چند صد کیلومتر مربع اراضی مورد اختلاف خود با روم شده بود. آفرانوس که از جانب پمپه مأمور بازپس‌گیری سرزمین‌ها و شهرهای بزرگ

کردونه شده بود، اندکی بعد در ریگزارهای شرق سوریه سرگردان شد و عده‌ی زیادی از افرادش را از دست داد تا سرانجام گروهی از مقدونیان قصبه‌ای کوچک - حران به کمک‌شان آمدند (Werstandig, 2007: 167). در پی آن پمپه با ارسال نیرو کردونه را از وجود ارتش اشکانی تخلیه کرد (Diakonov, 2005: 232). سرانجام پومپوس برای تعیین این سرزمین‌های استراتژیک، کمیسیون داوری به کار گماشت و به رویارویی‌های میان ارمنستان و پارت خاتمه داد. تیگران مناطق جغرافیایی گوردینه و نصیبین را نگاه داشت و فرهاد منطقه آدیابن را دریافت کرد (Shipman, 2005: 43).

نقش پناهنده شدن مهرداد سوم در تهاجم کراسوس به قلمرو اشکانیان در بین‌النهرین

فرهاد سوم دو پسرش به نام‌های ارد و مهرداد را در سلطنت با خود شریک کرده بود. ولی مهرداد سرشتی بد داشت و رو پدرش را به قتل رساند. در پی این حوادث ارد بر وی شورید که در نتیجه آن مهرداد به سوریه نزد گابینیوس پناهنده شد (Gearshman, 1386: 296). یکی از عوامل مهم این شورش نقش تاریخی و جغرافیایی بین‌النهرین بوده که از روی کار آمدن سلسله اشکانی و تثبیت آن‌ها در تیسفون موضوع مورد مناقشه دو امپراتوری بود. اهمیت این شورش در ابتدا یکی به واسطه نزدیکی مرزهای ایران و روم و در واقع به دلیل این‌که پایتخت اشکانیان در این مرز و بوم بوده و در ادامه حمایت رومیان و ساکنان بین‌النهرین از مهرداد که تیسفون را به مخاطره انداخت. اما ارد به سرداری سورن سلوکیه را محاصره کرد. در نتیجه شهر دچار قحطی شد و مهرداد خود را تسلیم برادر کرد (Rajabi, 2008, V 4: 90). تمایل شاهزاده اشکانی که تازه از قدرت خلع شده بود، به رومیان این حدس را بر می‌آورد که احتمالاً کراسوس قصد داشت مهرداد سوم را به قدرت برساند (Pirnia, 2010: 1886). به هر ترتیب این لشکرکشی به دلیل عدم شناخت قدرت نظامی اشکانیان و موقعیت جغرافیایی و طبیعی شاهنشاهی اشکانی به شکست و قتل کراسوس و فرزندش انجامید. در واقع شکست مفتضحانه کراسوس و عدم موفقیت مارک آنتوانی در لشکرکشی خود، معلول فقدان اطلاعات جغرافیایی رومی‌ها درباره‌ی امپراتوری شرقی واقع در آن سوی رود فرات بوده است (Drijvers, 2015: 442).

پناهندگی کوینتوس لایینوس به اشکانیان و جغرافیای نبردهای ایران و روم

پس از برخورد میان هواداران جمهوری و لژیون‌های نیرومند سلطنتی روم، کاسیوس و بروتوس سپاهیانی از ملل مختلف در یونان برای مبارزه علیه آنتوان تشکیل دادند. در پی آن کوینتوس لایینوس به عنوان فرستاده کاسیوس از پادشاه اشکانی درخواست نیرو برای نبرد فیلیپی کرد. اما پس از قتل کاسیوس به دست آنتوان اغلب جمهوری‌خواهان کشته و یا مجبور به خودکشی شدند. پس از این حوادث لایینوس در نزد اشکانیان ماند و توانست اعتماد ارد و فرزندش پاکر را در دربار اشکانیان به دست آورد (Wijlick, 2013: 76). پس از آن، اشکانیان به فرماندهی پاکور و لایینوس برای مقابله با روم و به دست آوردن سوریه از فرات عبور کردند. در ابتدا آپامه آ زادخانه اصلی سوریه که موقعیت جغرافیایی مهمی داشته و بر روی تپه مرتفع و همواری قرار داشته بود، مورد تهاجم قرار گرفت. لایینوس به عنوان یک رومی با خطابه‌ای هم‌زمان قدیمش را متقاعد کرد که از اطاعت قاتلان پمپه سرپیچی نمایند. این حرکت سپاهیان اشکانی در واقع به جابجایی مردم و تسلیم کردن برج و باروهای شهر و همچنین پیوستن لژیون‌های رومی

ساکن در سوریه به آن‌ها شد. که در پی این تغییر جمعیتی بزرگترین پیروزی در پای حصار مستحکم آنتوش، رخ داد که پادگان رومی آن، بدون کوچکترین مقاومتی دروازه‌های شهر را به روی وی گشودند (Dio Cassius, Vol. V, XLVIII, 25). نکته درخور توجه در این لشکرکشی مناطق جغرافیایی است که قبلاً متعلق به هخامنشیان بود. در ابتدای این حمله مناطقی از آسیای میانه دستخوش نهب و غارت شد و به قلمرو اشکانیان منضم شد. آن‌ها با عبور از آسیای میانه از طریق لیدیه و کاره در غرب منطقه ایونی، حمایت لژیون‌های حامی کاسیوس را به دست آوردند (Wijlick, 2013: 115). پس از این حوادث سرزمین‌های مختلف در آن سوی فرات تسلیم اشکانیان شدند و جمعیت‌های محلی آن تابع اشکانیان شدند. به گونه‌ای که در سراسر فلسطین و وطن‌پرستان که از تعدیات دو تن شخص منفور که مملکت را برای رومیان اداره می‌کردند، به جان آمده بودند و قیام کردند و اشکانیان به واسطه حمایت آن‌ها توانستند با یک گروه پانصد نفری از سواران به بیت‌المقدس حمله و آن‌جا را به تصرف درآورند (Gothamshid, 1977: 149) و شخصی بنام آنتیگونوس یهودی را حاکم آن سامان کردند. پس از آن دوران، حکومت اشکانیان سیستم جدیدی برای اداره آن ولایت برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی نمودند که با اداره امور اقتصادی روزگار کنسول‌ها که کاملاً با آیین مملکت‌داری جمهوری روم بستگی داشت متمایز است. پاکر با مهربانی و دادگستری قلوب سوریان را جلب کرد (Gothamshid, 1977: 149-150). پس از این پیروزی لایینوس وارد معبر بایلن در چهل کیلومتری شمال آنتوش که دروازه سوریه بود، شد. پارت‌ها از طریق سواحل سوریه که صیدا کلید آن بود، دست به حمله زدند و ظرف چند ماه شهرهای سیلیسی، کاریه، لیدیه و ایونی به تصرف درآمدند (Plutarch, V 30). پس از این حوادث، عده‌ای زیادی از اهالی و ساکنان شهرهای تصرف شده را به قتل رساند و اموال آنان را غارت نمود، به گونه‌ای که عده‌ای از آن‌ها از شهرهای خود مهاجرت و به سرزمین‌های روم فرار کردند. پس از این رویدادها سرانجام لایینوس مناطق جغرافیایی کیلیکیه و لیدیه را تحت انقیاد درآورد. از طرف دیگر وی توانست بخشی از دریای سیاه از جمله بی‌تینیه را به تصرف درآورد و در ادامه شهرهای کاریه و سواحل ایونی نیز تسخیر شدند (Kryśkiewicz, 2017: 8). فراری دادن لژیون‌ها و جمعیت‌های محلی طرفدار روم و سکه‌هایی که فرمانده رومی به نام اشکانیان زد نقش مهمی در گسترش خبر پیشروی اشکانیان و کنجکاوای در مورد شاهنشاهی شرقی در میان‌رودان داشت؛ زیرا پس از آن در ادبیات رومی اشاره به پارت‌ها و ایالات‌شان در ماد و بلخ و حتی هندوستان افزایش یافت (Debevoise, 1963: 177-188). پارتیان با انجام این عملیات، بسیاری از حکام شهرهای سوریه نیز که از سوی آنتونیوس یکی از سه زمامدار حکومت سه نفره روم و فرمانروای شرق تهدید شده بودند به نزد پارتیان گریختند تا مشاور و کمک آن‌ها باشند. همچنین ترس از مصادره اموال توسط عاملان بلندپایه رومی، شهرهای فنیقیه را به آغوس پارتیان راند. به نوعی مهاجرت خودخواسته در این برهه زمانی شکل گرفت. به نظر آن‌ها یوغ پارتیان ملایم‌تر از یوغ رومیان بود (Wolski, 2004: 215). دیرزمانی بود که اشکانیان به چنین پیروزی نائل نگشته بودند. حیثیت و اعتبار جهانی فوق‌العاده‌شان خطری مستقیم برای متصرفات روم در شرق دریای متوسط گشته بود (Diakonov, 1972: 89). اما دیری نگذشت که آنتونیوس به کمک ون‌تیدوس باسوس درصدد لشکرکشی علیه اشکانیان برآمدند. وضعیت در این زمان برای رومی‌ها خالی از مخاطره نبود؛ زیرا که از سوء سلوک حکام رومی که با مردم بسیار

ظالمانه رفتار می‌کردند و همه‌جا اهالی هواخواه اشکانیان شده بودند. از این رو ونتیدیوس سردار رومی ناچار شد با حزم و احتیاط عمل کند. به این ترتیب که وی با یکی از هواخواهان رومی یعنی فارنائوس حکمران سیرهستیکا، از ولایات اعراب، که قبلاً رابطه اتحادی محرمانه با اشکانی‌ها داشت و به وی پناهنده شده بود، سردار رومی را به تدبیری اندیشید تا از او به منفعت خود استفاده کند. از این رو علی‌الظاهر به وی وانمود کرد که محل وثوق و اعتماد کامل اوست و در اجرای نقشه‌ای که در سر دارد اظهار ترس و بیم بسیار کرد، بدین وسیله فارنائوس را نهانی بر آن داشت که گزارش‌های به کلی خلاف واقع و دروغ جهت موقعیت جنگی و جغرافیایی به اشکانیان بدهد و خیالات ونتیدیوس را طور دیگر جلوه‌گر سازد. از آن جمله به پاکر نوشت که رومی‌ها یقین دارند که وی از طریق زئوگما به آن‌ها حمله‌ور خواهد گردید، یعنی شاهزاده معروف که اقصر طرق است اختیار خواهد کرد، زیرا که در راه دیگر جغرافیایی یعنی فرات، با تیراندازان پارتی مقابله می‌شوند و برای آن‌ها خالی از خطر نیست. پس پاکر این گزارش دروغ و فریبنده را باور کرده و برخلاف راه طولانی و درازی را در پیش گرفت و از طریق ناحیه سیرهستیکا به سوی کشور شام رهسپار گردد و مدت چهل روز اقامت خود را صرف جمع‌آوری وسائل کرد که بر روی آن شط بزرگ پلی عریض بنا نماید و قشون خود را از آن بگذراند (Debevoise, 1963: 95-96). از این رو نخست در سال ۳۹ ق.م در آسیای صغیر لایبوس را شکست و دستگیر و اعدام کرد. بدین ترتیب آسیای صغیر دوباره به دست رومیان افتاد. سپس ونتیدس باسوس با شکست دادن واحدهای پیاده‌نظام اشکانی که در راه‌های منتهی به سوریه گماشته شده بودند این گذرگاه را گشود و آن‌گاه سوریه و شهرهای فنیقیه تا یهودیه را دوباره تصرف کرد (Wolski, 2004: 157). سپس با استفاده از نقشه‌ی خود پناهنده عرب از فرصت استفاده کرد و سه روز قبل از این‌که سپاه اشکانی برسد خود را آماده کارزار کرد. چون در هنگام عبور از فرات از طرف رومیان مقاومتی مشهود نشد، اشکانیان به تصور این‌که آن‌ها آماده نیستند از این رو بی‌درنگ بر اردوگاه آن‌ها حمله‌ور شدند. ولی ونتیدیوس به واسطه در دست گرفتن مکان جغرافیایی بهتر و خوبی که داشت و در اراضی مرتفعی در نزدیکی گینداروس، تل جندریس فعلی، در مغرب رود افرین موضع گرفت (Debevoise, 1963: 96). سرانجام پاکور از ونتیدس باسوس در نبرد گیندارس به سال ۳۸ ق.م شکست خورد و کشته شد (Ostrowski, 2005: 46).

پناهنده شدن بزرگان اشکانی به مارک آنتوان و تهاجم روم به سرزمین آذربایجان

ارد به گفته ژوستن در حدود سال ۳۷ پ.م بر آن شد تاج و تخت را به یکی پسرانش بسپرد. از این رو فرهاد (چهارم) پسر ارشد خویش را برگزید. اما فرهاد برای استوار ساختن پایگاه خویش نخست پدر و سپس همه برادران را کشت (Van-Wijlik, Margar, 2013: 128). چون دست به میان اشراف هم برد، بسیاری از آنان راه گریز پیش گرفتند. از جمله کسی بنام مونه‌زس بود که به نزد رومیان گریخت (Mashkour, 1995: 40). پلوتارک از وی به نام مونسس نام می‌برد، که توجه مارک آنتوان را جلب کرده بود. او به مارک آنتوان قول داد که بدون هیچ دردسری بر پارت‌ها پیروز خواهد شد (Van-Wijlik, Margar, 2013: 128). به نقل از پلوتارک آنتوان مونوبازس را پذیرفت و رفتاری با او نمود که مشابه تمیستوکل بود و خود را در مقام مقایسه با پادشاهان ایران قرار داد (Plutarck, V 4: 45) و سه شهر لاریسا، آرتوزا و هیراپولیس را به او واگذار کرد (Reinhold, 1988: 59). از این رو به دنبال این که بسیاری از اعظم مملکتی خود را از ظلم و ستم فرهاد چهارم نجات دهند به خارج از کشور پناهنده شدند. در این میان آنتونیوس وضع را

مساعد یافت تا به یک جنگ انتقامی بر ضد دولت پارتی دست بزند. قسمت آذربایجان، ایالت ماد که در سال ۶۷ ق.م. مهرداد داماد تیگران پادشاه ارمنستان در آنجا با استقلال و بدون اتکاء به پدرزنش حکومت می‌کرد و در سال ۶۵ داریوش فرمانروای آنجا با گسیل کردن سفیری نسبت به پومیپوس اظهار انقیاد کرده بود، بعدها با ارمنستان یک جا تحت نفوذ پارتی‌ها قرار گرفت و آنتونیوس مصمم شد آنجا را باز تحت‌الحمایه‌ی رومیان درآورد (Gothamshid, 1977: 153-154). اما اندکی پیش از آنکه سپاهیان رومی به قصد عزیمت به ارمنستان حرکت کنند، فرهاد تصویری از دست راست به نشانه درگذشتن از گناه مونسس برای او فرستاد (Bivar, 2004: 161). مونسس هم با این بهانه که درباره‌ی بازگرداندن پرچم‌های رومی با فرهاد مذاکره خواهد کرد، به کشورش بازگشت. او احتمالاً اطلاعات دقیقی درباره‌ی موقعیت استراتژیکی و جغرافیایی، آرایش نیروهای رومی داشت و به همین دلیل بهترین فرد برای مقابله با ایشان محسوب می‌شد (Vakili, 2014: 708). از سوی دیگر وی از نقشه‌های رومیان که یکی از مهم‌ترین فاکتورهای آن‌ها شناسایی مکان‌های مهم استراتژیک جنگی، راه‌ها، گذرگاه‌ها و معابر و همچنین خطوط دشمن بود، آگاه بود (Bivar, 2004: 161).

در حقیقت یکی از جالب‌ترین مسائلی که این روایت مطرح ساخته توضیح جغرافیای این سفر جنگی است. چنان‌که همه‌ی مفسران تقریباً اتفاق دارند که سپاهیان رومی از طریق جلگه مرند وارد آذربایجان گردیدند و از کنار کران شرقی گردیدند و از کنار کران شرقی دریاچه ارومیه گذشتند. سر هنری راولینسون بعدها در مقاله‌اش استدلال کرده شهری که آنتوان آن را به محاصره گرفته بودند، در محل باستانی تخت سلیمان بوده است. مینورسکی این شهر را نزدیکی مراغه‌ی کنونی قرار می‌دهد. به عقیده راولینسون از این گذرگاه بود که سپاهیان رومی به راهشان در امتداد جلگه‌ی تبریز در جهت شمال غرب که به مرند می‌رسید، ادامه دادند و رود شیرینی که رومیان با نوشیدن آب رنج‌های خود را تسکین دادند، سلیا یا سولاچای بود که مینورسکی آن را با سولانچای که حدود ۱۵ مایل از درون این جلگه می‌گذرد اصلاح می‌کند. اما چون روایت پلوتارک می‌گوید که جاده میان دو رود کوهستانی و شیب‌دار بود، از این رو می‌توان گفت که جاده‌ای که رومیان می‌توانستند انتخاب کنند از تنگ گیجی بل میان تبریز و اهر می‌گذشته و با گذر از اهرچای توانستند از دست دشمن که در تعقیب آنان بود بگریزند (Bivar, 2004: 164). خط سیر جغرافیایی این نبرد از روم به طرف جلفا و از آنجا در مسیر جنوب، از راه مرند در شمال شرقی دریاچه ارومیه به سوی شهر فراسپا بود (Shipman, 2005: 244). این مسئله را جدا از خیره‌سری آرتاوازاد پادشاه ارمنستان که به ادعای منابع رومی به آنتوان نسبت داده بودند، می‌توان به نقشه مونیبازوس که قبلاً به وی پناهنده شده بود، منتسب دانست. در این میان می‌توان به نقش مونه‌زس سردار متواری اشکانی که فرهاد وی را بخشیده بود اشاره کرد؛ چرا که با آگاهی از وضعیت پایگاه، لشکریان و نقشه لشکرکشی رومیان و آگاه بودن از مناطق جغرافیایی که رومیان برای نبرد در پیش گرفته بودند، توانست در شبی هنگامی که لشکریان استاتیانوس از فرماندهان رومی، که از پیاده‌روی خسته شده بودند، بر آن‌ها یورش برد و همه‌ی آن‌ها یکسره به تیر پارتی‌ها گرفتار آیند و دستگاه و لوازم محاصره‌ی آنان به چنگ اشکانیان بیفتد. این شکست باعث بازگشت آرتاوازاد پادشاه ارمنستان گردید (Gothamshid, 1977: 155) در نتیجه آن مارک آنتوان در نزدیکی آذربایجان در محلی به نام فراسپه با شکست مواجه شد. نکته دیگر در این

لشکرکشی وضعیت اقلیمی و آب و هوایی آن سامان بود که تأثیر به‌سزایی در شکست رومیان داشت. به نقل از منابع تلفاتی که رومیان به هنگام عقب‌نشینی در سرزمینی ناشناخته بر اثر گرسنگی و تشنگی دادند بیش از تلفات آن‌ها از اردوی دشمن بود. کار به جایی کشید که ناگزیر شدند از ریشه درختان و گیاهان ارتزاق کنند. تغذیه بد و آب و کثیف باعث شد که اغلب به اسهال خونی دچار شوند و رشته انضباط آن‌ها از هم گسیخته شود. در عرض ۲۷ روز بیش از چهارصد کیلومتر راه، فاصله‌ی بین فراسپا تا اراکسس، یعنی رود حد فاصل بین ناحیه‌ی ماد و ارمنستان را طی کردند. در کنار این رود بود که اشکانیان دست از تعقیب آنان برداشتند. تا این‌جا لشکریان رومی عبارت بود از یک چهارم مجموع جنگجویان (بیست و چهار هزار نفر) و یک سوم مجموع عقبه‌ی لشکر. اسباب و لوازم و بار وینه سپاهیان یکسره نابود شد. هشت هزار تن دیگر در اثر عبور از فلات ارمنستان به سبب سرما و کولاک جان دادند. به نقل از گوتشمید این لشکرکشی که به دلیل پناهنده شدن بزرگان ایرانی به روم و وضع آشفته اشکانیان در این اثر رخ داده بود بیش از همه به این دلیل بود؛ یکی آن‌که اصولاً رومیان بنا به عادت دیرینه خود از اوضاع جغرافیایی و وضع آب و هوای ممالکی که برای کشورگشایی مطمح نظرشان بود بی‌اطلاع بودند (Gothamshid, 1977: 156-157).

پس از شکست دادن مارک آنتوان، فرهاد چهارم برای کوتاه‌زمانی دچار کشمکش داخلی شد. اما خیلی زود این شورش با شکست مواجه شد و تیرداد با بردن پسر شاهنشاه به سوریه پناهنده شد. اما فرهاد با گسیل کردن سفیری به اوکتاویوس که در سوریه زمستان را به سر می‌برد، اعتراض کرد، ولی با وجود این همه به تیرداد اجازه اقامت در سوریه داد (Sheldon, 1997: 305). پس گرفتن پسر فرهاد از اوگوستوس، فشار نیروهای رومی بر اشکانیان در سوریه و ارمنستان، ضمانت گرفتن از اوگوستوس که دیگر از تیرداد حمایت نکند، گرفتن هدایای بسیار از روم موجب شد تا فرهاد چهارم به بازگرداندن اسرا و پرچم‌های رومیان رضایت دهد (Bivar, 2004: 167). این رویدادها همگی در اثر پناهندگی تیرداد به دربار روم بود که چنین معاهده‌ای منعقد شد (Josephus XVIII, 2). پس از صلح میان اوگوستوس و فرهاد چهارم و بازگردان بیرق‌های رومی نبرد حران، اوگوستوس کنیزکی رومی به نام موزا را به وی بخشید و فرهاد نیز برای این‌که فرزندان خود را از منازعات جانشینی به دور نگه دارد چهار تن از فرزندان خود را به دربار وی فرستاد تا تحت حمایت روم باشد.

جانشینان فرهاد چهارم؛ نقش پناهندگان اشکانی و رومی در مناقشات جغرافیایی

پس از مرگ فرهاد چهارم و روی کار آمدن فرهادک شاهد اهمیت جغرافیایی ارمنستان برای اشکانیان هستیم. طبیعی است با اهمیت استراتژیکی که ارمنستان برای اوگوست داشت، او نمی‌توانست در برابر این رفتار فرهاد پنجم واکنشی از خود نشان ندهد. فرهادک که به خوبی می‌توانست از برداشت روم درباره خود آگاه باشد، با فرستادن سفیری به روم ضمن اعلام بر تخت‌نشینی خود از اوگوست خواست تا برادران او را که در روم می‌زیستند به ایران برگرداند. امپراتور روم، نه تنها درخواست وی را اجابت نکرد، بلکه آمرانه از فرهادک خواست تا سپاه خود را از ارمنستان بیرون کشد (Rajabi, 2008: 109-110). و برای سامان دادن به امور نوه خود کایوس را به آسیا فرستاد. فرهادک نیز که زمان را آماده جنگی تازه با رومیان نمی‌یافت، از در آشتی درآمد. در سال دوم پ.م فرهادک و کایوس در جزیره‌ای در میان فرات با هم ملاقات کردند. در این ملاقات فرهادک برخلاف تقاضای نخستین خود از

امپراتور روم، تعهد کرد که در صورتی که برادران او در روم نگهداری شوند از دخالت در امور ارمنستان خودداری کند (Dio Cassius, LV, 10). بدین صورت بار دیگر نقش پناهندگان در از دست رفتن قلمرو جغرافیایی مهمی مانند ارمنستان کاملاً واضح و مبرهن است. پس از متواری شدن فرهادک و قتل ارد سوم و فرستادن ونون از سوی اوگوستوس برای به تخت‌نشینی اشکانیان و به دلیل رفتار رومی‌گونه‌ی وی (Bivar, 2004: 397) مدعی دیگر تاج و تخت بنام اردوان از هیرکانی شورشی برانگیخت و نخست ونون کامیاب بود ولی اردوان ونون را از سرزمین پارت راند و بیش از یکسال ونون بر تخت ارمنستان بود (Dąbrowa, 2017: 173). این رویداد چندان مورد علاقه رومیان نبود و حضور وی در ارمنستان بهانه‌ای برای درگیری اردوان دوم با تیریوس بود. در پی این حوادث اردوان تهدید کرد که به سرزمین‌های رومی لشکرکشی خواهد کرد (Olbrycht, 2016: 608). از این رو روم از حمایت وی دست برداشت و او در ۱۶ میلادی به آن‌جا پناهنده شد (Vishofer, 2016: 453) اما در مسیر ترسوس توسط محافظش کشته شد (Parthian History in the Yearbook, Tasit, 2017: 17). پس از مدت کوتاهی اردوان طی نامه‌ای به تیریوس، که در آن اردوان خواستار استرداد سرزمین‌های اجدادی خویش به دوران هخامنشی بود، توجه به مناطق جغرافیایی و سوق‌الجیشی ارمنستان، آسیای صغیر و بین‌النهرین به عنوان میراث شاهنشاهی هخامنشی در سرلوحه برنامه سیاست خارجی اشکانیان قرار گرفت. از این رو در راستای احیای شاهنشاهی هخامنشی، به طور جدی در برابر فشارهای سلطه‌جویانه روم به رغم برتری‌های نظامی‌اش، مقاومت نشان داد (Iman Pour, Zarrin Koub, 2012: 6). یکی از اهداف برنامه‌ی احیای شاهنشاهی هخامنشی توسط اردوان به نقل از ولسکی خصلتی ضد یونانی داشت. وی می‌گوید منشأ این امر نه فقط در این واقعیت جستجو کرد که یونانیان ساکن در شهرهای بین‌النهرین و بابل جانب روم را گرفته و گروه‌های هوادار بسیار زیادی در این شهرها می‌زیستند، بلکه باید به کاهش تدریجی عنصر یونانی در این سرزمین‌ها توجه داشت و همین اردوان را تحریک کرد تا با عزمی استوار مداخله کند (Wolski, 2004: 176).

تهاجم کاراکالا به ایران و ویرانی شهرهای اشکانی

در اثنای کشمکش‌های داخلی در شاهنشاهی اشکانی، لشکرکشی رومیان توسط کاراکالا از طریق بین‌النهرین آغاز شد. در این هنگام وی از مدت‌ها طرحی ریخته بود تا جنگ دیگری علیه پارتیان به راه اندازد. بهانه جنگ این بود که کاراکالا خواستار استرداد دو پناهنده، فیلسوفی به نام آنتیوخوس و تیرداد نامی شد، اما برخلاف انتظار بلاش ششم هر دو پناهنده را تحویل داد. کاراکالا که بهانه‌اش سلب شد، اقدام به جنگ علیه ارمنستان کرد (Shipman, 2005: 77-78). در این لشکرکشی باز شاهد تسخیر مناطق سرزمینی و جغرافیایی مهم اشکانی توسط رومیان هستیم (Pirnia, 2010: 171). امپراتوری روم بخش‌هایی از شرق دجله را به تصرف درآورد و در ادامه نیز قسمت‌هایی از بین‌النهرین، اربل و ماد را تصرف کرد. بدین ترتیب کاراکالا بخش‌های جغرافیایی مهمی از صفحات غربی قلمرو ایران را به تصرف درآورد و به سپاهیان خود اجازه داد تا شهرها و روستاها را تاراج کنند (Werstandig, 2007: 45). بعداً سپاهیان ایران به رهبری اردوان چهارم در نبرد نصیبین که این شهر نیز موقعیت جغرافیایی درخور توجهی داشت بر رومیان پیروز گشتند و سرزمین‌های متصرفی در دست رومیان را بازپس گرفتند (Mirahmadi, 2013: 583). طبق

معاهده نصیبین با ماکرینوس امپراتور روم، رومیان متعهد شدند به هزینه‌ی خود قلعه‌های ویران شده را از نو بسازند و به عنوان تاوان تبهکاری‌های خویش، دویست میلیون سکه به اردوان و اطرافیان وی بپردازند به ویژه ماکرینوس پذیرفت آن سوی فرات را تخلیه کند و برای اولین بار پس از یک قرن، مرزهای قدیم فرات را به عنوان مرز جغرافیایی و حائل بین دو امپراتوری بپذیرد (Werstandig, 2007: 428).

سیر تحول شهری و معماری اشکانیان و نقش آن در معماری عصر حاضر

دوره اشکانی یکی از مهمترین دوران تاریخی معماری و شهرسازی ایران است، در این دوره طولانی پایه و شالوده معماری و شهرسازی ایران ریخته می‌شود، زیرا در این دوران شهرهای زیادی ساخته یا دوباره مورد بازسازی و مرمت قرار می‌گیرند که در دوران بعد این سبک شهرسازی و معماری به اوج خود رسیده و به سیر تکاملی خود ادامه می‌دهد. از این رو است که شاهان اشکانی در مناسبات خود با دولت‌های همجوار به شهرها و موقعیت سرزمینی آنها اهمیت می‌دادند و در زمینه پناهنده شدن شخصیت‌های مهم سیاسی برای به دست آوردن مکان‌های سوق‌الجیشی و بعضاً واگذاری برخی ایالات به آنها از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کردند. از این رو ارگ و بافت شهرها و مرزهای جغرافیایی به صورت مداوم مورد مرمت و بازسازی قرار می‌گرفت. چنانکه ویرانی و خرابی شهری یا دهی آنها را به عکس‌العمل در برابر دشمن متعرض وامی‌داشت که این امر تا اواخر دوره اشکانی مشهود است. باید گفت چگونگی شکل شهرهای دوره اشکانی در دوره ساسانی نیز امتداد پیدا کرد و شهرهای مرزی و سوق‌الجیشی کم و بیش جایگاه قبلی خود را حفظ کرده و بعضاً مورد بازسازی قرار گرفته‌اند. پس از ورود مسلمانان به ایران و تسلط بر کشور، بالطبع سیر شهرنشینی و ساختار زندگی شهری نیز تغییراتی یافت. چنانکه نمود مرکزیت فضایی در شهرهای دوران اسلامی به مانند سابق تنها به دلیل موقعیت استراتژیک نبوده، بلکه چگونگی دسترسی به آن شهر اهمیت به سزایی پیدا کرد (Borghjelveh, 1996: 144). در این دوره دین اسلام نقش مهمی در روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یافت. باید گفت چون فاتحان مسلمان روز به روز با ساختار زندگی پیچیده‌تری رو به رو می‌شدند نمی‌توانستند نسبت به شهر به عنوان عنصری اصلی در نظام اداری و حکومتی بیتفاوت باشند. روند تغییر و تحولاتی که در شکل شهرهای ایران در دوره اسلامی رخ می‌دهد، در نتیجه دگرگونی و تغییر موقعیت دو بخش اصلی شهر (کهن دژ و شارستان) در الگوی شهر ایرانی است که به رشد و برآمدن آرام منطقه شهری جدید که ربض نامیده می‌شود، می‌انجامد (Mashhadizadeh Dehghani: 2007: 2030). از دیگر سو در این قضیه دو مسئله به‌طور کامل روشن است آب‌وهوا و موقعیت مطلوب جغرافیایی و به تبع آن تولید مازاد بر مصرف به‌دست‌آمده از مزارع حاصلخیز و سپس دومین جنبه زندگی شهری، یعنی پدیدآمدن تخصص و تقسیم کار و شکل‌گیری ساختار شهری به معنای واقعی. سوای این دو مسئله کثرت جمعیت، پیشرفت تکنیک، وجود باور و اعتقادات مشترک و نیز پیدایش نظام رهبری سیاسی از دیگر عواملی بوده است که در بنیاد شهرها تأثیر قاطع گذاشته است. اما در این بین، برخی شهرها بدون تجربه برخی عوامل فوق شکل گرفته‌اند و به تدریج، عوامل دیگر نیز در قالب ساختار شهرنشینی در آنها پدید آمده است. در بین عوامل مؤثر در بنیاد شهرهای ایران و میانرودان آنچه بارز است اینکه «مازاد تولید و مذهب» بیشترین نقش را داشته‌اند و باید شهرنشینی و شهرسازی را پدیده‌ای معلول و ناشی از این عوامل دانست (Kaviani: 2017: 86) پس می‌توان ادعا کرد که شهرهای ایران دوره اشکانی در دوره‌های تاریخی رفته رفته با تغییر

ساختار جامعه، سیمای باستانی خود را از دست دادند و کم کم از ابنیه جدید و مراکز و بافت شهری نو برخوردار شدند. برای مثال، خانه‌های مسکونی که حضور مسجد و مدرسه و بازار و سیمای محل هر کدام دارای کارکردی خاص هستند به تأثیر از ساختار زندگی شهری مشخص دوران اسلامی پدید آمدند در این ساختار جدید و مذهبی، مسجد، قلب تپنده شهر اسلامی میشود و با تأثیر از ساختار سیاسی و مذهبی در مرکز شهر قرار میگیرد و بازار و مراکز مسکونی و بناهای عمومی در کنار آن، مجموعه پیوسته و مرتبطی را تشکیل میدهند که برخاسته از ساختار جامعه‌های است که اسلام در آن تغییرات بنیادین ایجاد کرده است که نمونه آن را میتوان در شهرهای بین‌النهرین از جمله در نزدیکی تیسفون و عراق امروزی ذکر کرد. البته باید افزود که معماری دوره اشکانی به تبع خود به مرور زمان تأثیرات شگرفی بر تاریخ شهرسازی ایران گذاشته است، به گونهای که استفاده از طاق و ایوان که میراث این دوره باستانی است، تا دوران معاصر نیز به ویژه در ساخت مساجد کماکان به حیات خود ادامه داده است.

نتیجه‌گیری و دستاوردهای علمی پژوهش

با توجه به مطالب ارائه شده در زمینه پناهنده شدن شخصیت‌های مهم سیاسی به دو دولت اشکانی و روم می‌توان استنباط کرد که پناهندگی تقریباً از اوایل دوره اشکانی انجام گرفته است و افراد مدعی قدرت و تصاحب تاج و تخت فرار به دیگر قلمرو را در پیش گرفتند. باید چنین گفت که پناه بردن شاهزادگان اشکانی به دربار روم در وهله اول به دلیل ترس از جان خود و در گام دوم برای دستیابی به قدرت بوده است که چنین مشی را در پیش می‌گرفتند و تا مدت‌ها آن را ادامه دادند و زمینه‌ساز درگیری‌ها و بعضاً مناسبات دیپلماتیک میان ایران و روم گردیدند.

میتوان گفت همین عامل پناهندگی و اهمیت دادن به مناطق جغرافیایی و مرزی بوده که در دوران اولیه سلطنت اشکانی زمینه‌ساز رویارویی دو دولت اشکانی و روم را فراهم کرده است. چنانکه هنگامی که فرهاد سوم به تخت نشست، فرمانروایی اشکانی در بحران بزرگی غوطه می‌خورد که با درگذشت مهرداد دوم پدید آمده بود. بیش از هرچیز می‌بایستی ارمنستان، که از دیرباز غالباً بخشی از ایران بود، دوباره به خاک شاهنشاهی افزوده شود که از دیرباز به واسطه موقعیت جغرافیایی و سوق‌الجیشی که در منظر پادشاهان ایران باستان داشته است حائز اهمیت و درخور توجه بود. این موضوع و در کنار آن پناهنده شدن تیگران صغیر فرزند تیگران بزرگ پادشاه ارمنستان که به فرهاد سوم، پادشاه اشکانی پناهنده شده بود، سرآغاز جنگ‌های ایران و روم در دوره اشکانی گردید، مسئله‌ای که تا سقوط سلسله تداوم داشت.

پس از نبرد حران و شکست و در پی آن قتل کراسوس، شرایط سیاسی داخلی روم اندک‌اندک رو به وخامت نهاد و این فرصتی مناسب برای مداخله‌ی نظامی فراهم آورد. اگر ارد خردمندانه حرکت کرده بود می‌توانست با بهره‌برداری بالقوه از تحولات سیاسی روم و به دست آوردن سرزمین‌های بیشتر، در سرحدات غربی امنیت و قدرت بیشتری برای پارت‌ها تأمین نماید. از این رو در پی این قدرت‌یابی ارد پادشاه اشکانی، است که برخی از جمهوری‌خواهان از جمله کوینتوس لابینوس به شاهنشاهی پناه آوردند و زمینه‌ساز تهاجمات گسترده‌های در مرزهای ایران و روم گردید. در پی این حوادث ارد تصمیم گرفت دومین حمله‌ی خود به مناطق جغرافیایی رومی خاور نزدیک در سوریه و آناتولی را آغاز کند که توانستند برای مدتی موقت بخشهای عظیمی از آسیای صغیر را به تصرف اشکانیان درآورد.

پس از شکست لابینوس در آسیای صغیر و مرگ پاکر فرزند ارد ورق برگشت و مکانهای مهم جغرافیایی که در نبردهای گسترده این دو با رومیان به تصرف درآورده بودند، از دست اشکانیان خارج شد و اوضاع به حالت سابق خود بازگشت. از این رو دولت اشکانی تا مدت زیادی از نبرد با روم خودداری نمود. اما با روی کار آمدن فرهاد چهارم و تبهکاری‌هایی که وی در سیاست داخلی از خود نشان داد، عده‌ای از شاهزادگان اشکانی به روم پناهنده شدند. شاهزادگانی که در دربار اشکانی صاحب منزلت زیادی بودند و با ورود به روم نیز سرزمینهایی به عنوان تیول به آنها داده شد. نظیر مونوبازوس در دربار مارک آنتوان. میتوان ادعا کرد که یکی از عوامل لشکرکشی امپراتور روم به سرزمین‌های اشکانی تحریکات شاهزادگان متواری در دربار روم بود که زمینه‌ساز لشکرکشی عظیم مارک آنتوان به قلمرو اشکانی را فراهم آورد گرچه این عملیات به شکست نیروهای رومی منتج شد، لیکن ضربه‌هایی نیز به اشکانیان وارد کرد و برخی از شهرهای مرزی را دچار گرسنگی و قحطی نمود. درست در همین زمان و پس از شکست امپراتور روم نیز مدعی تازهای به نام تیرداد سر برآورد که شکست خود و به امپراتور روم اوگوستوس پناه آورد و یکی از فرزندان فرهاد چهارم را با خود به روم برد که عاملی برای بازگرداندن بیرق‌های رومی و بازگرداندن سرزمین‌های مرزی به حالت پیشین و به نوعی در اختیار روم شد. همچنین حمایت روم از این شاهزاده متواری نیز آسیب‌هایی به قلمروهای مرزی اشکانی وارد آورد؛ چرا که در پی این لشکرکشی برخی شهرهای بین‌النهرین به مدت زیادی مورد محاصره و ویرانی قرار گرفتند. همچنین در این دوره است که پادشاه اشکانی، فرهاد چهارم، برای نجات دادن جان فرزندانش به دلیل مسئله جانشینی عده‌ای از آنها را به عنوان پناهنده به دربار اوگوستوس می‌فرستد که سالیان زیادی در دربار روم بودند و زمینه تصادمات بسیار زیادی نیز در شاهنشاهی اشکانی با روم شدند. زیرا که شاهان اشکانی برای نشان دادن آنها بر سریر قدرت اشکانی هر از گاهی به حمایت‌های نظامی از آنان روی می‌آوردند و در جاهایی که این امر مقدور نبود به دادن سرزمین‌های جغرافیایی و مرزی از سوی شاهان اشکانی اکتفا می‌کردند.

اما با توجه به این‌که پناهندگان به دلیل شناختی که از کشور خود داشتند، به مرور در تصادمات نظامی طرفین و نظر به موقعیت‌های نظامی نقش مهمی در تحولات مکانی شهرها و مرزها ایفا کردند و باعث فراری دادن جمعیتی به نقاطی دیگر و ساکن شدن در سرزمین‌ها دیگر می‌شدند که نمونه آن را در اقدامات نظامی لابینوس می‌توان مشاهده کرد. از سوی دیگر باید افزود که در این برهه تاریخی برخی از شاهان اشکانی خود نیز زمینه پناهنده شدن فرزندان خود را که در آینده نزدیک می‌بایست برای به تخت‌نشینی آماده می‌شدند را مهیا کردند که این مسئله در مورد پناه دادن فرزندان و نوادگان فرهاد چهارم توسط اوگوستوس امپراتور روم صادق است.

همین مسئله در ادامه باعث حمایت رومیان از شاهزادگانی اشکانی واقع در روم شدند که تا دیرزمانی تداوم داشت. همچنین باید گفت که شخصیت‌های رومی که در دوره اشکانی و بیشتر می‌توان گفت از اواسط این سلسله به اشکانیان پناه می‌آوردند، جدا از دستیابی به قدرت و نجات جان خود، حمایت از اربابان خود بوده است. البته دو طرف از این امر در راستای مقاصد سیاسی و دیپلماتیک فی‌مابین بهره‌برداری کردند ولی یکی کمتر (اشکانیان) و دیگری بیشتر (رومیان). نکته قابل تأمل در این پناهندگی تغییرات و جابجایی سرزمین‌های جغرافیایی است که به نوعی از همان ابتدا دست به دست، ویران یا مورد تغییرات جمعیتی می‌شد. به گونه‌ای که در برخی موارد پادشاهان ناگزیر از واگذاری قلمروی مرزی به امپراتوری روم می‌شدند که نمونه آن را می‌توان به دوران فرهادک در مسئله ارمنستان

مشاهده کرد. از این رو در پی این سیاست هنگامی که منافع آنها توسط شاه منصوب شده تأمین نمی‌شد یا محدود می‌گشت به بهانه‌ای فرد دیگری را که در روم به سر می‌برد به عنوان رقیب وی مورد حمایت قرار می‌دادند و مشکلات عظیمی را برای اشکانیان فراهم می‌آوردند چنان‌که این امر را در مورد حوادث دوران اردوان دوم و گودرز می‌توان مشاهده کرد.

همچنین در اواخر دوره اشکانی مشاهده میکنیم که یکی از دلایل عمده تسخیر سرزمین‌های مرزی و ویرانی شهرها توسط امپراتوران رومی پناه دادن برخی از اشخاص یا شاهزادگان توسط اشکانیان است. به گونه‌ای که پادشاه اشکانی با پناه دادن به نرون دورغین زمینه لشکرکشی عظیم تراژان به این را فراهم کرد که در پی آن بسیاری از شهرها و واحه‌ها تخریب و ویران شدند. همچنین بهانه کاراکالا امپراتوری روم نیز به دلیل پناه دادن دو فیلسوف توسط اردوان چهارم خود زمینه درگیری میان این دو قدرت را مهیا کرده بود. هرچند که شاهنشاه اشکانی برای جلوگیری از هر پیشامدی این دو را به دربار روم فرستاد، لیکن بهانه لشکرکشی گسترده وی به ایران شد، مسئله‌ای که باز شهرهای سوق‌الجیشی و مهم بین‌النهرین که تحت حاکمیت اشکانیان بودند مورد مخاطره قرار گرفتند و عده‌های زیادی از آنها تخریب و رو به ویرانی نهادند. از سوی دیگر باید افزود در این لشکرکشیها به بهانه پناه دادن به شاهزادگان یا شاهان متواری، شهرها و مردمان زیادی ویران و از بین رفتند و جمعیت‌های گوناگونی نیز دست به مهاجرت زدند. از دیگر دستاوردهای این پژوهش میتوان با بافت و ساخت شهرهای مرزی اشکانی در زمینه ارتباط و نقش و آنها در مناسبات دو قدرت آن روز اشاره کرد. با توجه به چشماندازی که شاهان اشکانی برای تسلط بر بین‌النهرینو دیگر نواحی مرزی داشتند، به تبع آن ساخلوهای مرزی نیز دارای استحکامات و معماری میشدند که دسترسی به آنها به آسانی میسر نبود.

References

- Bevar, AD, (2004), "The Political History of Iran in the Parthian Period", Volume 2/2, Translated by Hassan Anoush, by Ehsan Yarshater, Tehran, Amir Kabir.
- Borghjelveh, Shahindokht (1996), "The Rise of the Structural Order of the Environment from Downtown", Proceedings of the Third Seminar on Housing Development in Iran, Volume 1, by Mehdi Taleb, Tehran, University of Tehran.
- Brosius, Maria,(2010), Ancient Iran, translated by Jesus Abdi, Tehran, Fish Publishing.
- Dąbrowa, Edward(2017), "Tacitus on the Parthians", ELECTRUM Vol. 24 Jagiellonian University in Kraków.
- Debevoise, Nilsson (1963), The Political History of Parth, Translated by Ali Asghar Hekmat, Tehran, Ibn Sina Library.
- Deijver, , jan William(2015), What Strabo has written about the land of Parthians and Parthians, translated by Farid Jawahar Kalam, Tehran, Farzan Rooz.
- Diakonov, M. (1972), Parthian, translated by Karim Keshavarz, Tehran, Payam Publications.
- Diakonov, M. (2005), The History of Ancient Iran, Spiritual Translation of the Master, Tehran, Scientific and Cultural..
- Fry, Richard Nelson, (2007), Heritage of Central Asia, Tehran, Dr. Mahmoud Afshar's Providence Foundation.
- Gearshman, Roman (2006), "From the Seleucid Rise to the Fall of the Parthians", Ancient Iran, Translated by Yaghoub Ajand, Tehran, Molly Publishing.
- Ghadiani, Abbas (2005), Descriptive Culture of Iranian History from the Mythological Period to the End of the Pahlavi Period, Vol. 1, Tehran, Written Culture Publications.

- Gothamshid, (1977), *The History of Iran and Its Neighboring Countries from Alexander to the Parthian Extinction*, Kikaus Jahandari's Translation, Tehran, Book Publishing and Publishing Company.
- Haji Babaei, Ahmad (2001), *Partian and Silk Trade*, Journal of the Faculty of Literature and Humanities.
- Josephus (1737), *Antiquities of the Jew*, translates by William Whiston, at <http://sacred text. Com.jud/josephus/ant-18.htm>
- Kaviani, Hamid (1396), *Investigating Historical Factors of Cities Foundation with an Approach to Iranian and Mesopotamian Cities* », Historical Researches, Fifty-Three Years, New Period, Ninth Year, No. 4.
- Kryśkiewicz, H.(2017), "The Parthians in the 1st c. B.C. a worthy enemy of Rome? Remarks on the issue of Roman-Parthian political conflict in the ending period of existence of the Roman Republic, and on its influence on Roman imperial ideology", Institute of History and International Relations University of Szczecin, Poland.
- Mashhadizadeh Dehghani, Nasser (2007), *An Analysis of the Features of Urban Planning in Iran*, Tehran University of Science and Technology.
- Meshkour, M.J.(1995), *Political and Social History of the Parthians-Persians (Old Pahlavi)*, Tehran, Book World.
- Mirahmadi, Maryam, (2013), *History of Iranian Studies*, Tehran, Tahouri Publications
- Mirzaee,A(2005), *Historical Geography of the Parthian Empire*, Journal of History Education Growth, Volume Seven, Number Three
- Olbrycht, M.J. (2016), "Germanicus, Artabanos II of Parthia, and Zeno Artaxias in Armenia", This paper was written as part of the author's research project financed by the National Science Centre, Kraków.
- Ostrowski, J. A.(2005),*Między Bosforem a Eufratem. Azja Mniejsza od śmierci Aleksandra Wielkiego do najazdu Turków seldżuckich*, Wrocław.
- Parthian History in the Yearbook, Tasit, (2017), translation by Nader Mirsaidi, Tehran, Call of History.
- Parviz,Abbas, (1971), *Social Status and Parthian Civilization*, Tehran, Central Council Publication of the Imperial Celebration of Iran.
- Pirnia, H (2010), *History of Ancient Iran*, Tehran, Look.
- Plutarch, (1964), *The Life of Named Men*, Translated by Reza Mashayekhi, Tehran, Book Publishing and Publishing Company.
- Pygoluskaya, N. (2008), *Iranian Cities in the Parthian and Sassanid Times*, Translated by Enayatollah Reza, Tehran, Scientific and Cultural
- Rajabi, P, (2008), *The Lost Hazaras (Parthians)*, Tehran, Phoenix.
- Rajabi, P. (2004), *Iranian History in the Seleucid and Parthian Period*, Tehran, side.
- Reinhold, M.(1988), *From Republic to Principate. An Historical Commentary on Cassius Dio's Roman History Books 49-52 (36-29 B.C.)*,
- SHELDON, R M. (1997), "Trne Ancient Imperative: 1 Clandestine Operations and Covert Action", JOURNAL OF INTELLIGENCE I.
- Shipman, Claus (2005), *Parthian History*, Translated by Houshang Sadeghi, Tehran, Farzan Rooz.
- Vakili, Sherwin (2014), *Parthian Political History*, Tehran, Shour Afarin Publishing.
- Van-Wijlik, Margar,(2013), "Rome and near estern kingdom and Pricipalities, 44-31 BC" A study of political relations during civil war
- Werstandig, Andre, (2007), *History of the Parthian Empire*, translated by Mahmoud Behrouzi, Tehran, Jami Publications.
- Wieshoffer, Joseph, (2013), *Parthian Empire and Documents and Resources*, Translated by Houshang Sadeghi, Translated by Farid Jawahar Kalam and Farid Jawahar Kalam Khashayar Bahari, Tehran, Farzan Rooz Publishing.
- Wiesopher, Joseph (2007), *Ancient Iran from 550 BC to 650 AD*, translation by Morteza Saqebfar, Tehran, Phoenix.
- Zarrin Kob, Abdolhossein, (2009), *History of the Iranian People*, Tehran, Amir Kabir.